

نسبت میان آرمانگرایی و واقع گرایی در اندیشه امام خمینی(ره) با تأکید بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸

سید امیر نیاکوئی^۱

حسین بهمنش^۲

چکیده

به رغم گذشت بیش از دو دهه از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط امام(ره)، کماکان زوایای پنهانی درمورد این رویداد وجود دارد که ذهن بسیاری از صاحب نظران را به خود مشغول ساخته است؛ از جمله این که: به چه دلیل امام راحل(ره) پذیرش قطعنامه را از نوشیدن جام زهر کشنده تر دانستند و چه مصلحتی باعث قبول این کار شد؟ به تعبیری دیگر، آیا امام خمینی(ره) با پذیرش قطعنامه، از آرمان‌های خود در قبال جنگ تحمیلی دست کشیدند؟ و به طور کلی تر، آرمان‌ها و واقعیت‌ها در اندیشه امام(ره) چه جایگاهی داشتند؟ نویسنده برای پاسخ به پرسش تحقیق، از مباحث تصمیم‌گیری در سیاست خارجی بهره می‌گیرد و به مطالعه گفتار و کردار امام(ره) می‌پردازد. بر این اساس، فرضیه ای که این مقاله مطرح می‌کند، چنین است: در اندیشه امام(ره)، آرمان‌ها بر اساس مقتضیات، شرایط و واقعیت‌های زمانه اولویت بندی شده و دارای مراتب حداقلی و حداکثری بوده اند. در مورد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نیز، اگر چه آرمان‌های حداکثری امام(ره) محقق نشد، اما به آرمان‌های حداقلی ایشان جامعه عمل پوشیده شد.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی(ره)، آرمانگرایی، واقع گرایی، قطعنامه ۵۹۸، تکلیف الهی، مصلحت

Email: nikaoee@gmail.com

Email: hossein.Behmanesh90@yahoo.com

تاریخ تصویب نهایی: ۹۱/۳/۲۵

۱- استادیار علوم سیاسی دانشگاه گیلان

۲- کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه گیلان

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۱۵

مقدمه

یکی از حوادث بزرگ و تأثیرگذار تاریخ جمهوری اسلامی ایران پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط امام خمینی(ره) بوده است این واقعه که نقطه عطفی در مسیر انقلاب اسلامی محسوب می‌شود، بهت و تعجب بسیاری از ناظران داخلی و خارجی را در پی داشت. اکنون که بیش از دو دهه از این واقعه تاریخی می‌گذرد، هنوز نکاتی مجهول در مورد آن دیده می‌شود که نیاز به واکاوی بیشتر دارد؛ از جمله اینکه: به چه دلیل امام راحل(ره) پذیرش قطعنامه را از نوشیدن جام زهر کشنده‌تر دانست و چه مصلحتی باعث قبول این کار شد؟ به تعبیری دیگر، می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا امام خمینی(ره) با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، از آرمان‌های خود در قبال جنگ تحمیلی دست کشیدند و تسلیم مقدمات شدند؟ و به طور کلی‌تر، آرمان‌ها و واقعیت‌ها در اندیشه امام خمینی(ره) چه جایگاهی داشتند؟ در این مقاله، کنش میان واقعیت و آرمان را در تصمیمات امام(ره) در طول جنگ تحمیلی بررسی نموده و این موضوع را که چه میزانی از واقع‌نگری و آرمان‌گرایی در تصمیم‌های ایشان وجود داشته است، واکاوی می‌کنیم. ضرورت اینکه گذاری هر چند اجمالی بر تمامی دوران جنگ تحمیلی خواهیم داشت، در این است که بررسی کنیم آیا تصمیم بر پذیرش قطعنامه موردی و اتفاقی بوده و یا چندان هم با مشی و منطق فکری امام(ره) در تضاد و تعارض نبوده است.

به عبارتی دیگر، تأمل نماییم که آیا تصمیمات و اندیشه‌های ایشان منطقی واحد و روندی ثابت داشته یا سیری ناپایدار و متغیر. فرضیه‌ای که این مقاله مطرح می‌کند، چنین است: در اندیشه امام(ره)، آرمان‌ها بر اساس مقتضیات، شرایط و واقعیت‌های زمانه اولویت بندی شده و دارای مراتب حداقلی و حداکثری بوده‌اند، در مورد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نیز، اگرچه آرمان‌های حداکثری امام(ره) محقق نشد اما به آرمان‌های حداقلی ایشان جامه عمل پوشیده شد. در این میان، آنچه که کلید فهم نسبت آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در اندیشه حضرت امام(ره) است، درک ترکیب "تکلیف الهی" است. به سخن دیگر می‌توان با فهم جایگاه "تکلیف الهی" در دیدگاه امام(ره) به فهم تمامی گفتار و افعال وی دست یافت. این مفهوم ما را به این تلقی رهنمون می‌سازد که چگونه امام(ره) در عین آرمان‌گرایی، واقع‌گرا نیز بودند. با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیق، تحلیلی، توصیفی است و روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای. در این راستا،

منابع دست اول یعنی سخنان امام خمینی (ره) و همچنین مصاحبه‌ها و دیدگاه‌های کارشناسان مختلف ذی ربط مورد استناد و بررسی قرار گرفته است. همچنین با توجه به این که در این مقاله چارچوب فکری و رویکردهای امام (ره) در مورد پذیرش قطعنامه مورد بررسی قرار می‌گیرند از مباحث تصمیم‌گیری در سیاست خارجی استفاده می‌شود تا چارچوب مفهومی مناسبی حاصل آید.

۱. چارچوب مفهومی؛ نظریه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی

یکی از سطوح تحلیل سیاست بین‌الملل، بررسی رفتار دولت‌ها (به عنوان واحدهای رسمی سیاسی) بر پایه ارزیابی تصمیماتی است که سیاست‌گذاران در زمینه‌های مختلف اتخاذ می‌کنند. بدین ترتیب، روش تصمیم‌گیری یکی از چارچوب‌هایی است که برای بررسی روابط بین الملل می‌تواند مورد توجه قرار گیرد (قوام، ۱۳۸۷: ۴۱). نظریه تصمیم‌گیری صرف نظر از تعبیر مختلفی که از آن ارائه می‌شود، بر چند پیش فرض مشترک استوار است: نخست آنکه کارآمدترین سطح تحلیل برای تجزیه و تحلیل مباحث بین‌المللی، سطح تحلیل خرد است و سطح تحلیل کلان و بین‌المللی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی، دارای اهمیت فرعی و حاشیه‌ای است؛ دیگر آنکه به دلیل انتزاعی بودن مفهوم دولت ملی، هرگاه از تصمیمات یک دولت ملی سخن به میان می‌آید، منظور تصمیمات مسئولان دستگاه‌های گوناگون در رابطه با سیاست خارجی است و سرانجام نیز اینکه پیوسته راه‌های بدیلی برای هر تصمیم‌گیری وجود دارد و بنابراین، تصمیم‌گیرنده با انتخاب‌ها و گزینه‌های مختلف مواجه است. (شریعتی، عباسی، ۱۳۹۰: ۶). براین اساس، مطالعه فرایند تصمیم‌گیری در هر نظام سیاسی به عنوان واحدهای حکومتی مانند مطالعه هرم تصمیم‌گیری و میزان تأثیر تصمیماتشان، شرایط و لوازم تصمیم‌گیری و تبعات و محدودیت‌های تصمیم‌گیرندگان، میزان بهره‌گیری از اطلاعات صحیح و کافی، از جمله روش‌های مورد توجه محققان می‌باشد.

نظریه تصمیم‌گیری را می‌توان برای مطالعه بحران‌های سیاسی و مدیریت بحران نیز مورد توجه قرار داد؛ به ویژه آنکه مطابق این نظریه، رفتار اشخاص، افراد یا گروه‌هایی که در کادر تصمیم‌گیری و تدبیر بحران فعالیت می‌کنند، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. از دیدگاه مدل تصمیم‌گیری توجه به بحران به عنوان متغیری که احتمال تصمیم معینی را افزایش می‌دهد،

مستلزم وجود سه عامل تهدید، زمان و غافلگیری است و در هر صورت، نوسان یکی از این عوامل می‌تواند بر برابری تصمیم‌ها تأثیرگذار باشد (شریعتی، عباسی، ۱۳۹۰: ۵). تصمیم‌گیری در سیاست خارجی فرایندی است که توجه را هم معطوف به فردی می‌کند که در فرایند سیاست خارجی مؤثر است و هم به اجزای آن فرایند که همان انتخاب و گزینش از میان گزینه‌های مختلف است (اشتریان، هفتخوانی، ۱۳۸۶: ۹) در چارچوب نظریه تصمیم‌گیری مدل‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفته شده است که در یک دسته بندی پنج گانه عبارتند از:

یک: مدل عقلایی: در این مدل، تصمیم‌گیرندگان باید از اطلاعات قابل ملاحظه‌ای در مورد ارزش‌ها، منابع، اهداف، و اولویت‌های هدف‌های گوناگون برخوردار بوده، بتوانند رفتارهای احتمالی آینده را پیش‌بینی کنند. در چارچوب این مدل تصمیم‌گیرندگان درصدد اتخاذ بهترین تصمیم‌ها هستند (قوام، ۱۳۸۷: ۵۲). هربرت سایمون با تأکید بر اینکه بهترین تصمیم عقلایی‌ترین آنهاست به تبیین رابطه بین عقلانیت و اهداف پرداخته و در یک فرمول ساده رفتار عقلانی را معادل رفتار هدفمند انگاشته و عقلانیت را توانایی ربط دادن وسایل به اهداف تعریف کرده است (اشتریان، هفتخوانی، ۱۳۸۶: ۱۰). از آنجایی که بهره‌گیری از این مدل به دلیل دشواری، کافی نبودن شرایط و لوازم بسیار سخت است، تصمیم‌گیرندگان در استفاده از این مدل با مشکل روبه‌رو می‌شوند.

دو: مدل رضایتبخش: سیاستگذار در این مدل، انسان به کمال رساننده به شمار نمی‌رود، بلکه به رضایتبخش بودن تصمیمات توجه دارد. به عبات دیگر، به محض اینکه تصمیم‌گیرنده تشخیص دهد که یکی از انواع مختلف تصمیم، او را در جهت رسیدن به هدف اصلی هدایت می‌کند و همزمان برخی از نیازهای جنبی او را تأمین می‌کند، آن را از میان سایر شقوق بر می‌گزیند و از تلاش برای یافتن بهترین راه خودداری می‌کند (قوام، ۱۳۸۷: ۵۴). چارلز لندبلوم بر آن است که تصمیم‌گیرندگان، به جای بیشینه سازی منافع و دستاوردها به دنبال رضایتمندی هستند، یعنی تصمیم‌گیرنده به دنبال انتخاب قابل پذیرش است (اشتریان، هفتخوانی، ۱۳۸۶: ۱۰).

سه: مدل فزاینده: این روش، روش محافظه کارانه است و تصمیم‌گیرندگان درصدد تغییرات بنیادی و اساسی در تصمیمات قبلی نیستند؛ زیرا تصور می‌کنند که دگرگونی عمده در

سیاستگذاری‌ها ممکن است مشکلات گوناگون و غیرقابل کنترل در ایجاد سازش و توافق میان سیستم سیاسی و محیط آن از لحاظ تبدیل نهاده‌ها (خواسته‌ها و منافع) به داده‌ها (تصمیم‌ها) به وجود آورد و حتی در مواردی مشروعیت نظام سیاسی مورد سؤال قرار گیرد (قوام، ۱۳۸۷: ۵۴). در این مدل، ضمن افزایش آمادگی تصمیم‌گیرنده برای رویارویی بارخداها و متغیرهای پیش‌بینی نشده، نقش وی بیشتر واکنشی خواهد بود تا کنشی و در واقع تصمیم‌گیرنده بر مبنای تحقق مزیت نسبی یک بدیل نسبت به بدیل‌های دیگر، روند تصمیم‌گیری را ادامه می‌دهد. (اشتریان، هفتخوانی، ۱۳۸۶: ۱۱)

چهار: مدل بینش فوق‌العاده: تأکید این مدل بر برخورداری برخی از تصمیم‌گیرندگان و سیاستگذاران از توانایی‌ها، استعدادها و فوق‌العاده، ابتکارات، نوآوری و خلاقیت است. روانشناسان سیاسی در بررسی‌های خود با تأکید بر عامل رهبری بر این نظرند که تصمیم‌گیرندگانی که از بینش فوق‌العاده برخوردارند، عناصر کلیدی سیاستگذاری محسوب می‌شوند. گاه از این افراد به عنوان شخصیت‌های بزرگ تاریخی و انسان‌های استثنایی نام برده شده است (قوام، ۱۳۸۷: ۵۵).

پنج: مدل مختلط: در این مدل، سعی می‌شود به نوعی نارسایی‌های موجود در مدل‌های فزاینده و عقلایی به حداقل ممکن کاهش پیدا کند و براساس این مدل، تصمیم‌گیرندگان به طور همزمان جنبه‌ها و دیدگاه‌های خرد و کلان را مورد توجه قرار می‌دهند (قوام، ۱۳۸۷: ۵۶). در این میان، به نظر می‌رسد که می‌توان با استفاده از مدل مختلط که در چارچوب نظریه تصمیم‌گیری می‌باشد، به ارزیابی فرضیه مقاله پرداخت و تا حدودی به پاسخ سؤال اصلی نزدیک شد. برطبق این مدل، تصمیم‌گیرندگان به طور همزمان جنبه‌ها و دیدگاه‌های خرد و کلان را مورد توجه قرار می‌دهند. براین اساس تصمیم‌گیرنده تحت تأثیر امکانات موجود کوشش می‌کند ضمن آنکه برای اتخاذ استراتژی معین تمامی جوانب را در نظر می‌گیرد، در همان حال توجه خویش را بر پاره‌ای از مسائل و جنبه‌های سیاست خارجی نیز معطوف کند. در این روند سیاستگذاران مثلاً ضمن تجزیه و تحلیل ابعاد گوناگون سیاست‌های نظام بین‌المللی، سیستم موازنه قدرت و عوامل به وجود آمده ستیز و همکاری در سطح جهانی، به بررسی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری داده‌های خارجی هر یک از واحدهای سیاسی، یا به مطالعه پیامدهای اتخاذ پاره‌ای از

استراتژی‌ها در سطح منطقه می‌پردازند. ممکن است با توجه به امکانات موجود در مقاطع و تحت شرایط و مقتضیات گوناگون، تصمیم‌گیرندگان حوزه بررسی خویش را محدود یا وسیع سازند (قوام، ۱۳۸۷: ۵۶). البته، باید توجه داشت که منطق فکری و تصمیم‌گیری امام خمینی(ره) را نمی‌توان کاملاً در قالب چنین مدل‌هایی توضیح داد، اما برای تبیین چنین پدیده‌ای ناگزیر به انتخاب چارچوبی هستیم تا براساس آن به درکی بهتر نائل شویم.

در چارچوب نظریه تصمیم‌گیری، جمهوری اسلامی ایران یک موجودیت انتزاعی تلقی می‌شود که تصمیم‌گیرندگان در سطح ملی به نمایندگی از آن تصمیماتی را اتخاذ کرده و به رفتار سیاست خارجی آن شکل می‌دهند. براین اساس، رهبران ملی که از اختیار سیاست‌گذاری و قدرت تصمیم‌گیری برخوردارند، نقش بسیار مهمی در تعیین، تعریف اهداف سیاست خارجی کشور ایفا می‌کنند. براین اساس، محققان سعی می‌کنند با شناخت مشخصات و ویژگی‌های فردی اشخاصی که در تصمیم‌گیری‌های کلان شرکت می‌کنند و یا قضاوت نهایی را در تصمیم‌گیری‌ها انجام می‌دهند، به منطق و رهیافت روشنی دست یابند. تأثیرگذاری متغیرهای فردی در سیاست خارجی براین اصل استوار است که افراد تصمیم‌گیرنده، به عنوان انسان از خصوصیات شخصی منحصر به فردی برخوردارند که تصمیمات، انتخاب‌ها و رفتار سیاست خارجی آنان را از دیگران متمایز می‌سازد. متغیرهای فردی شامل ویژگی‌های فردی، برداشت‌ها و تصورات، انگیزه‌ها، ارجحیت‌ها، سبک رهبری و شیوه تصمیم‌گیری، جهان بینی و نظام باورهای تصمیم‌گیرندگان می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۷۰). در همین راستا، سه مؤلفه کلی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد: ۱- خصوصیات شخصی: ویژگی‌هایی چون احتیاط در برابر عجله و بی‌پروایی، دوراندیشی در برابر عصبانیت، مصلحت‌اندیشی در برابر جزم‌گرایی، تواضع در برابر تکبر و تفاخر، احساس برتری در برابر احساس حقارت، خلاقیت در برابر تخریب‌گری، اعتماد به نفس بیش از حد در برابر روان‌پریشی، شجاعت در برابر ترس، قاطعیت در برابر تذبذب، تساهل در برابر تقید و غیره. برای نمونه، قاطعیت، روحیه انقلابی و سازش‌ناپذیری، ظلم‌ستیزی و شخصیت فرهمند و اعتماد به نفس امام خمینی(ره) تأثیر به‌سزایی بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دهه اول انقلاب اسلامی داشت. ۲- محیط روانی و ادراکی: محیط روانی یا ادراکی که به معنای تصورات و برداشت‌های تصمیم‌گیرندگان از واقعیت‌ها و شرایط

بیرونی یا محیط عملیاتی است، نقش تعیین کننده‌ای در سیاست خارجی ایفا می‌کند. محیط روانی و پیرامونی، نوع درک تصمیم‌گیرندگان از این محیط، نوع و میزان اطلاعاتی که از موضوع مورد تصمیم در اختیار داشته و ذهنیت و برداشتی که از آن سوژه در نزد تصمیم‌گیرنده وجود دارد، از جمله مسائلی است که در این مؤلفه مورد توجه قرار می‌گیرد. نوع نگرش نخبگان و تصمیم‌گیرندگان جمهوری اسلامی ایران به نظام بین‌المللی و منطقه‌ای، تصور آنان از هویت، جایگاه و نقش ایران، برداشت آنها از اهداف و اولویت‌های ملی ایران، و ادراک آنان از چگونگی و شیوه اجرا و اعمال سیاست خارجی، تأثیر به‌سزایی بر سیاست خارجی آن دارد. برای مثال تصورات و برداشت امام خمینی (ره) از رژیم بعث عراق و شخص صدام حسین در تصمیم‌گیری ایشان در دوران جنگ عراق علیه ایران نقش به‌سزایی داشت. ۳- تعامل شخصیت و نقش: افراد تصمیم‌گیرنده در نقش‌هایی که می‌پذیرند به دو صورت می‌توانند تأثیرات به‌سزایی در نوع تصمیمات داشته باشند. نخست به واسطه تفاسیر مختلفی که صاحب منصبان از پست‌ها و مسؤولیت‌های خود ارائه می‌دهند، تأثیرات متفاوتی بر سیاست خارجی می‌گذارند. زیرا، محدودیت‌ها و قیدوبندهایی که نقش‌ها و پست‌ها بر سیاستگذار تحمیل می‌کند، ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه نقش‌ها قابل تفسیر به صورت گسترده و محدود هستند. چگونگی تفسیر نقش و پست به افراد و خصوصیات فردی و شخصیتی آنان بستگی دارد. دومین مورد این است که متغیرهای شخصیتی و فردی در شرایط بحرانی و تصمیم‌گیری‌های سخت بسیار مؤثرتر از تصمیمات سیستمی و برنامه‌ریزی شده است. در این شرایط، به دلیل کمبود منابع کافی و اطلاعاتی و شرایط خاص زمانی نقش افراد با بینش استثنایی بسیار نمایان می‌شود. براین اساس، نقش امام خمینی (ره) در اتخاذ تصمیمات و هدایت سیاست خارجی در مورد قبول قطعنامه ۵۹۸ و سفر مک فارلین و نقش آیت الله خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی در اتخاذ سیاست بی‌طرفی در زمان حمله عراق به کویت بسیار برجسته و حایز اهمیت است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۷۵-۷۱).

با توجه به مباحث فوق، در ادامه مقاله به بررسی تصورات و برداشت‌های حضرت امام (ره) از جنگ تحمیلی و همچنین رویکردها و جهان بینی و نقش آرمان‌ها و واقعیت‌ها در تصمیم‌گیری‌های ایشان خواهیم پرداخت تا درک مناسبی در خصوص واکنش معظم له در خصوص پذیرش قطعنامه شورای امنیت و پایان جنگ تحمیلی حاصل شود. در این راستا، مقاله

به چهار گفتار که در واقع سؤال‌های فرعی منشعب از سوال اصلی است و در ادامه مطرح می‌شود، تقسیم شده است.

۲. نسبت میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در تفکر امام خمینی(ره) از ابتدای جنگ تحمیلی

در راستای پاسخ به پرسش اصلی مقاله، اولین سؤال که مطرح می‌شود این است که آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی با شروع تهاجم دشمن خارجی آن هم در برحه‌ای که انقلاب تنها اولین قدم‌های خود را برداشته است، در اندیشه امام خمینی(ره) چگونه تبلور می‌یابد؟ به عبارتی دیگر، در این بخش تلاش بر این است که واکنش امام (ره) در قبال پدیده جنگ تحمیلی و تصمیم ایشان در آن شرایط مورد بررسی قرار گیرد. در این میان پیش از هر چیز باید توجه داشت که جنگ تحمیلی زمانی شروع شد که ایران اسلامی به دلیل وقوع انقلاب، حوادث و مشکلات داخلی و بین‌المللی، به هیچ وجه آماده درگیر شدن در این هجوم گسترده نبود. در این صورت تنها راه منطقی، دفاع با قدرت علیه متجاوز و بیرون راندن و تنبیه آن و حصول اطمینان از عدم تجاوز دیگر بود (محمدی، ۱۳۸۳: ۴). امام(ره) از ابتدای تهاجم عراق به ایران، این جسارت به سرزمین ایران را قسمتی از پروژه رویارویی آمریکا و پیروانش و در یک کلام کفر با اسلام ناب محمدی(ص) تعریف می‌کنند که به نمایندگی صدام از جهان کفر، ضد جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. ایشان در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در پیامی به ملت ایران می‌فرمایند: «این صدام حسین است که به واسطه تحریک آمریکا به ما تجاوز کرده است» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۲۲۱).

اگر از دیدگاه تقابل همیشگی دو نوع نظام الهی و الحادی در جهان به تحلیل پردازیم، این جنگ را می‌توان حاصل برخورد این دو جریان متأثر از توسعه گرفتن گفتمان حق در منطقه در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سپس تسخیر سفارت آمریکا تلقی نمود که رفته رفته موجب شد تا انقلاب اسلامی به مرحله‌ای از توسعه در دنیا نایل شود و از مرزهای جغرافیای ایران فراتر رود. طبیعی است که دشمن نیز آرام نگیرد و راه کار جنگ تمام عیار نظامی را از طریق یکی از کشورهای همسایه گزینش کند (بهادرونند: ۱۳۸۹). براین اساس امام(ره) به جنگ تحمیلی علاوه بر بعد دفاع از میهن و سرزمین، جنبه دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی ایران به

عنوان تنها نماینده واقعی اسلام ناب می‌دهند و انگیزه مسلمانان ایرانی برای دفاع از کشور را چندین برابر می‌نمایند. امام(ره) در این رابطه می‌فرماید:

« هم خود صدام حسین - بر حسب حکم شرعی - کافر است و هم این طرفدار کفار است. طرفدار کارتر است و به واسطه طرفداری از کارتر و گرفتن قوا از او، دارد به ایران حمله می‌کند و کارتر این نوکرهای خودش را مثل صدام حسین و مثل سادات و امثال اینها را وادار کرده است که به ایران حمله بکنند یا به ایران صدمه بزنند» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۲۲۱).

امام (ره) همواره قائل به وجود دو قطب قدرت در تاریخ بودند که دارای دو نوع موضع‌گیری نسبت به ربوبیت الهی است و به دو شکل طغیان و طاعت ظاهر می‌شود. طبعاً امام راحل (قدس سره) به دنبال توسعه مدیریت طاعت در عالم بودند و می‌خواستند این واقعیت را به صورت بین‌المللی محقق کنند و با انزوای حکومت کفر، توسعه کلمه توحید را نتیجه بگیرند. از این رو در طول مبارزه، همگان را به این نکته توجه می‌دادند که محدودیت حکومت دینی عین پذیرش سلطه کفر بر شئون حیات بشر اعم از شئون «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» است (حائری: ۱۳۸۱: ۲۲). ایشان علاوه بر آرمان دفاع از میهن و کشور ایران، آرمان دفاع از کیان اسلام و انقلاب را نیز می‌افزودند و این نکته مهمی است که شخصی قادر باشد از چنین واقعیت ناخواسته، تحمیلی و درد آوری که در شرایطی سخت و بحرانی گریبانگیر کشور شده، به بهترین وجه و در راستای اهداف انقلاب استفاده نماید. اگر بخواهیم از جنبه دیگر به این دیدگاه امام(ره) پردازیم، پی می‌بریم که ایشان واقع بینانه صدام را فقط نوک حمله پیکان دشمن می‌دانند و دلیل حمله او را پیروزی انقلاب اسلامی و احساس ترس حامیان وی از شکل گرفتن چنین انقلاب‌هایی در منطقه و بیداری جهان اسلام تعریف می‌کنند و مستندات خود را نیز حمایت بی‌چون چرای این قدرت‌ها و سکوت آنها در قبال حمله به ایران می‌دانند و می‌فرمایند: « ما جرمان این است که با آمریکا مخالف هستیم» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۲۲۱).

امام خمینی(ره) از ابتدای تهاجم صدام، وی را زبون و ذلیل می‌شمرد و او را نوکر و تحریک شده آمریکا می‌داند ولی حساب او را از مردم و در مرحله بعد از ارتش عراق جدا می‌سازند و می‌فرمایند:

«ما اگر جوابی به او بدهیم، هرگز به ملت عراق که برادر ما هستند، مربوط نیست»
(صحیفه نور، ج ۱۳: ۲۲۱).

امام(ره) همچنین در پیام‌های مختلف، مردم عراق را به کنار گذاشتن صدام و قیام علیه او دعوت کرده و می‌فرماید:

«ملت عراق باید با تمام قوا، کوشش کنند که این شخص فاسد را از بین ببرند و این جمعیتی که برخلاف اسلام و برخلاف مصالح اسلام و قرآن دارند، عمل می‌کنند، آنها را از بین ببرند» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۲۲۱).

امام خمینی(ره) که به واسطه تبعید چندین ساله در عراق، از روحیات حزب بعث آگاهی داشتند همواره تأکید می‌نمود که دیر زمانی نیست که صدام به درک واصل شود. ایشان مستندات سخن خود را چندین سال زندگی در عراق و شناخت از ملت و نخبگان عراقی معرفی می‌نماید و یقین دارد که صدام به زور سرنیزه بر مردم حکومت می‌کند.

با توجه به موارد فوق، این‌گونه می‌توان گفت که نگاه آرمانی و خوشبینی به رحمت الهی در شخصیت امام خمینی(ره) نهادینه شده بود و رویکرد ایشان به جنگ تحمیلی نیز تجلی بخش این نگاه و رویکرد آرمانی است. البته، باید توجه داشت که ایشان در عملیاتی کردن آرمان‌ها به ملزومات واقعی و شرایط نیل بدان نیز توجه داشتند. برای مثال، از مردم عراق دعوت می‌نمودند تا علیه صدام و نظامش قیام کرده و او را ساقط نمایند. همچنین، می‌توان نشانه‌های اولویت‌بندی آرمان‌ها را نیز در منطق تصمیم‌گیری ایشان مشاهده نمود؛ به طوری که کوتاه کردن دست متجاوز صدام و عقب راندن او را به عنوان اولویت اول و جدی برای رزمندگان اسلام مطرح و ساقط کردن وی را به مردم عراق واگذار می‌نمایند.

از طرفی دیگر امام(ره) در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۵۹، در مصاحبه با خبرنگاران خارجی، به نکته‌ای اشاره می‌کنند که در ابتدای جنگ و با توجه به شرایط ایران، غیر قابل پیش بینی و غیر منتظره می‌نمود، ایشان استراتژی جنگ را از همان اول مشخص نموده و هدف را علاوه بر دفاع از کشور اسلامی ایران، سرنگونی صدام و نجات ملت عراق تعیین نمودند.

«بعثی‌ها ان شاءالله از عراق خواهند رفت و یک دولت اسلامی در آنجا خواهد آمد. و ما با کمال قدرت دفاع از خودمان خواهیم کرد و کشور عراق را نجات خواهیم داد از دست این جنایتکارانی که نوکر ابرقدرت‌ها هستند» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۲۶۱).

چگونه می‌توان این سخنان امام(ره) را تبیین نمود؟ ایشان از طرفی کوتاه کردن دست صدام و بیرون راندن او را از خاک ایران مطالبه می‌کنند و از جهتی دیگر ساقط کردن وی و نجات مردم این کشور را می‌خواهند و حتی در جاهایی شعار نابودی اسرائیل از طریق این جنگ به گوش می‌رسد. در پاسخ باید گفت که اگر با منطق همه یا هیچ به تحلیل کردار و گفتار امام(ره) بپردازیم به همان نتیجه‌ای می‌رسیم که قبول قطعنامه را در تضاد کامل با آرمان‌های امام(ره) می‌داند؛ ولی اگر آرمان‌ها را اولویت بندی نموده و شاخص‌گذاری کنیم، می‌توان به درک صحیحی از کلام امام نائل شد. بر این اساس این آرمان‌ها در طول یکدیگر قرار می‌گیرند و با توجه به شرایط و مقتضیات به مرحله فعلیت خواهند رسید. کما اینکه تغییر درون‌گفتمانی و استراتژیک در طول جنگ تحمیلی نیز به رهبری امام خمینی(ره) اتفاق افتاد و این گونه نبود که تنها با پذیرش قطعنامه این تغییر رخ داده باشد. تحلیلگران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دوره هشت ساله جنگ تحمیلی را به دو دوره آرمان‌گرایی و مصلحت‌گرایی اسلامی تقسیم می‌کنند. بر اساس این تقسیم بندی، از زمان برکناری بنی صدر، گفتمان آرمان‌گرایی اسلامی تا سال ۶۴ و از آن تاریخ به بعد تا پذیرش قطعنامه، گفتمان مصلحت‌گرایی اسلامی بر سیاست خارجی ایران حاکم بود.

بر اساس مطالب مطرح شده، مشاهده می‌شود که امام (ره) از پیشامدی ناخواسته به نام جنگ تحمیلی به بهترین صورت استفاده می‌نمایند. به عبارتی دیگر، ایشان از این ابزار دشمن برای تعریف کردن آرمان‌های انقلاب اسلامی استفاده کرده و افق بلندی را پیش روی رزمندگان و ملت ایران می‌گشایند. این آرمان‌ها در جهت حداقلی دفاع از کشور و میهن اسلامی و واگذار نکردن ذره‌ای از خاک ایران به دشمن و در جهت حداکثری سرنگونی صدام، رهایی ملت عراق و هموار شدن راه برای مبارزه با اسرائیل می‌باشد و این از فحوای کلام امام(ره) به دست می‌آید؛ یعنی اولویت بندی اهداف که از لوازم واقع بینی است.

۳- پیشینه تصمیم‌های امام(ره) در ارتباط با پذیرش صلح و خاتمه جنگ قبل از پذیرش

قطعنامه ۵۹۸

موضوع پر اهمیت دیگری که در رابطه با سؤال اصلی مطرح می‌شود، این است که امام خمینی(ره) قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در رابطه با پیشنهاد های صلح و ترک مخاصمه چه

واکنش‌هایی نشان می‌دادند؟ آیا ایشان به هیچ عنوان پذیرای پیشنهاد صلح نبوده و این موضوع را منتفی می‌دانستند؟ طی گفتار قبل تحلیل شد که در دوره هشت ساله جنگ تحمیلی نیز یک چرخش درون‌گفتمانی رخ داده است؛ بررسی تاریخ جنگ تحمیلی نیز حاکی از آن است که خود امام(ره) بارها از مجامع بین‌المللی و منصفان عالم می‌خواهد که شرایط صلح و خاتمه جنگ را فراهم سازند. بنابراین، می‌توان دریافت که پذیرش صلح و خاتمه جنگ البته با در نظر گرفتن شرایط و ملزومات، با تمامی آرمان‌های ایشان در تعارض نبوده است. در واقع ایشان از همان ابتدای جنگ بارها از کشورهای اسلامی می‌خواهند که به حکم قرآن عمل کرده و به بررسی منصفانه جنگ تحمیلی بنشینند و موجبات تأدیب متجاوز و پایان دادن به جنگ را فراهم سازند.

«در عین حالی که در قرآن کریم است که اگر دو طایفه‌ای از مسلمین با هم اختلاف کردند، شما مصالحه بدهید بین آنها را و اگر یکی از آنها باغی باشد و طاغی باشد، با او قتال کنید تا اینکه سر نهد به احکام خدا. کدام یک از کشورهای اسلامی بررسی کردند در اینکه طاغی و باغی کیست و آن کسی که هجوم کرده است کیست تا اینکه همه به امر خدا با او مقاتله کنند؟ بر کدام مملکت اسلامی پوشیده است این معنا که صدام به ما بغی کرده است، و طغیان کرده است و ظلم کرده است و هجوم کرده است؟ چرا ممالک اسلامی به آیه شریفه‌ای که می‌فرماید که فقاتلوا التي تبغی حتی تفی الی امر الله. چرا عمل نمی‌کنند؟» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۲۷۴).

بنابراین، این‌گونه نبوده است که ایشان به هیچ وجه از آرمان‌های حداکثری پایین‌تر نیایند و هیچ‌گونه برنامه‌ای را برای پایان دادن به جنگ نپذیرد به این دلیل که اعتقاد داشتند صدام باید نابود شود بلکه خود امام(ره) همواره مدعی پایان دادن به جنگ بوده‌اند، البته نه با هر شرایطی و در واقع از جمله موضوعاتی که موجب شد ایران قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نپذیرد، لحاظ نکردن شرایط حداقلی موردنظر امام(ره) و ایران بوده است. براین اساس مبنی بر نظر حضرت امام(ره) ما نباید می‌گذاشتیم که پرچم صلح، دست عراق باشد چون در واقع ما قربانی تجاوز هستیم و پرچم صلح را ما باید در دست داشته باشیم. نکته دیگری که نظر حضرت امام(ره) بود، این که باید متجاوز در این جنگ مشخص بشود، این مسئله در نظر حضرت امام خمینی(ره) حتی از مسئله غرامت جنگی هم بالاتر بود یعنی باید در

تاریخ ثبت بشود که این جنگ را صدام شروع کرد و متجاوز صدام بود گفتگو با محمدجواد لاریجانی: ۱۳۸۹/۴/۲۷) در این راستا امام (ره) شرایط صلح را اینگونه تعریف می نمایند:

«ما یک صحبت فقط داریم: ما صلح را قبول داریم، ما صلح را استقبال می کنیم، لکن یک صلح شرافتمندانه اسلامی؛ صلحی که باید بفهمند که متجاوز چه کرده است، صلحی که باید خسارات این کشور جبران بشود، نه صلحی که از آن طرف بگوید: صلح، از آن طرف بفرستد و توپها را ببندد به مردم بی گناه بی چاره» (صحیفه نور، ج ۱۷: ۲۲)

در این میان، باید توجه داشت که سخن افرادی که می گویند امام (ره) سازمان‌ها و قراردادهای بین المللی را قبول نداشتند نیز نادرست است. ایشان به ساختار و جهت‌گیری این سازمان‌ها انتقاد اساسی داشته و آنها را ساخته قدرت‌های بزرگ و جهان‌خوار و در راستای اهداف آنها می‌دانند؛ اما ضرورت وجودشان را بدیهی دانسته و از این سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی دعوت می‌کند که بیایند و منصفانه در مورد جنگ تحمیلی قضاوت کنند. امام (ره) می‌فرماید:

«آقایان سفرا که اینجا هستند و شاهد این ظلم‌هایی هستند که از طرف رژیم صدام بر ما واقع شده است و هجوم او را در رادیوها و در مطبوعات شنیده‌اند و دیده اند، باید توجه داشته باشند که این رژیم بر ما تعدی کرده است، تجاوز کرده است و باید این تعدی و تجاوز جبران بشود، باید برگردد به محل خودشان، تا ما ببینیم با او باید چه بکنیم» (صحیفه نور، ج ۱۴ : ۸۱).

یکی دیگر از مقاطع جنگ که به عقیده عده‌ای می‌توانست، پایان یابد، اما امام (ره) این تصمیم را نگرفت؛ بعد از فتح خرمشهر و باز پس‌گیری اکثر مناطق تصرف شده است که با تحلیل این واقعه می‌توان فرضیه مقاله را محک زد. طی این ماجرا این پرسش مطرح می‌شود که اگر قرار بود قطعنامه ۵۹۸ چندین سال بعد پذیرفته شود به چه دلیل پس از فتح خرمشهر پذیرفته نشد؟ اگر براساس فرضیه مقاله تحلیل کنیم، می‌توان گفت در این زمان بسیاری از آرمان‌های حداقلی و شروط اولیه امام (ره) به ثمر نرسیده بود و این آرمان‌های حداقلی همان خطوط قرمزی است که در هیچ صورتی ایشان از آن کوتاه نمی‌آمدند و در صورت پذیرش آتش بس در این زمان، می‌توان گفت امام خمینی (ره) از آرمان‌های خود دست کشیده و تغییر رویه داده است.

بعد از فتح خرمشهر و پیشروی رزمندگان اسلام، امام(ره) در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۶۱ در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش در مورد تفاهم برای پایان جنگ و مقتضیات آن می‌فرماید:

«یکی از شرایط ما این است که بروید بیرون. این را چه انسانی می‌تواند بگوید که این شرط، یک شرط تحمیلی است؟... خوب ما می‌گوییم که شما وارد شدید به [کشور] ما و اینهمه جرم کردید، حالا می‌گویید که بیایید با هم صلح کنیم. صلح کنیم؛ یعنی، خوزستان مال شما؛ یعنی، آنقدری که شما گرفتید مال شما. نه، هیچ وقت، هیچ کس نمی‌پذیرد. ما می‌گوییم شما بدون قید و شرط، باید بیرون بروید. اگر هم بیرون نروید، بیرونتان می‌کنیم. ... اگر می‌خواهید یک تفاهمی بشود، باید بروید بیرون مسأله دوم، خسارت‌هایی است که وارد کردند. قضیه جبران خسارت یک جهت مادی دارد، یک جهت سیاسی و معنوی» (صحیفه نور، ج ۱۶: ۳۱۱)

در این میان، باید توجه داشت که پس از فتح خرمشهر، تبلیغات بسیاری از جانب خارج و داخل مبنی بر این که دیگر بهانه‌ای برای ادامه جنگ وجود ندارد و متجاوز نیز بیرون رانده شده و بنابراین ایران باید آتش بس را قبول نماید، مطرح شد. اما دلایل متعددی موجب شد که امام(ره) در این زمان آتش بس را قبول ننماید، که در این مقاله قصد بر این نیست به این موضوع پرداخته شود؛ اما به طور مختصر باید گفت، به عقیده کارشناسان اگر قطعنامه را در آن مقطع زمانی می‌پذیرفتیم قسمتی از خاک ما هنوز در دست دشمن بود و از طرف دیگر به دلیل حمایت دو ابر قدرت جهان و سازمان‌های بین‌المللی از او مورد اعتماد نبود. (کوثری: ۱۳۹۰/۴/۳۱) از طرفی دیگر، قطع نامه ۵۱۴ شورای امنیت (بعد از فتح خرمشهر)، طوری طراحی شده بود که خواسته های مشروع ایران را در بر نداشت. گذشته از اینها، از آن جا که بعد از فتح خرمشهر، هنوز بخش هایی از خاک ایران در دست عراق بود، لازم بود که ما نیز بخش هایی از عراق را در دست داشته باشیم تا در موقع مذاکره، با دست پر حاضر باشیم و خارج ساختن شهرهای آبادان و خرمشهر از تیررس توپخانه عراق و فراهم کردن زمینه بازگشت مردم به این شهرها نیز وجود داشت، جلوگیری از استمرار حملات نظامی عراق از دریا و هوا نیز مطرح بود؛ زیرا گرچه نیروی زمینی عراق در زمین متوقف و به عقب رانده شده بود، ولی حملات عراق در دریا و هوا ادامه داشت (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۸) محسن رضایی در این مورد می‌گوید: اگر ایران در آن مقطع آتش بس می‌کرد، این جنگ ۲۰ سال طول می‌کشید و این ادعا قابل اثبات است. اگر ایران

عملیات‌های بعدی را پس از آزادی خرمشهر انجام نمی‌داد، قطعنامه ۵۹۸ هم صادر نمی‌شد»
(www.sajed.ir). امام خمینی (ره) در مورد شروط پذیرش قطعنامه اینگونه می‌فرماید:

« بسیار خوب، الان بروند بیرون، و همین حالا کارشناس‌ها هم بیایند و جریمه‌های
اینها را ارزیابی کنند که چقدر بوده. یک گروه دیگر هم بیایند و ارزیابی کنند که کی
مجرم است. ما اگر مجرم را امروز رهاش کنیم؛ امروزی که ما قدرت داریم، [جسور
می‌شود.]» (صحیفه نور، ج ۱۶: ۳۱۱)

باموارد مطرح شده به این نکته می‌توان پی برد که ایشان به هیچ وجه از آرمان‌های حداقلی به
عنوان خطوط قرمز کوتاه نمی‌آمدند و نپذیرفتن قطعنامه بعد از فتح خرمشهر خودمویدهمین
موضوع می‌باشد.

۴- تصمیم‌های امام خمینی (ره) و تعادل میان آرمان و واقعیت

موضوع دیگری که در راستای سؤال اصلی مطرح می‌شود، این است که در منطق تصمیم‌گیری
و فکری امام (ره) چه آرمان‌هایی بی‌معنا و دست نیافتنی است و چه آرمان‌ها و واقعیت‌هایی
محترم و مقبول. امام (ره) تفاوت میان ادعاهای واهی و آرمان‌های پوچ با واقعیت‌های صحیح را
در قالب مثال بنای عظیم طاق کسری توضیح می‌دهند و می‌فرمایند:

«چنانچه توجه به تاریخ داشته باشید، عراق جز ایران است؛ مداین از ماست و از
ایران است. و شواهد موجود است در خود مداین و در طاق کسری آن بنای عظیم
کسری الان در [نزدیک] بغداد موجود است. لکن ما از باب اینکه تابع اسلام هستیم
و قراردادهایی که شده است، محترم می‌شماریم. هرگز بنای این مطلب را نداریم که
حتی به یک وجب از مملکت عراق - که به حسب حالا مال عراق است - تعدی
کنیم» (صحیفه نور، ج ۱۴: ۸۱).

در مورد دیگری به شرط ایران برای عراق جهت در اختیار قرار دادن راه برای مبارزه با اسرائیل
بر می‌خوریم. امام (ره) در این رابطه می‌فرماید:

« اینها از عجاییبی است که در تاریخ باز می‌ماند. از عجاییبی است که تاریخ ضبط
می‌کند [این است] که ایران می‌خواست برای نجات عرب - که اسرائیل بخصوص با
عرب مخالف است - و برای نجات حرمین شریفین و برای نجات کشورهای اسلامی
که همه در تهدید اسرائیل هستند و برای مقابله با این سرطان فاسد، می‌خواست برود و

دولت‌ها از او رشوه می‌خواستند. اینها مسائلی است که در تاریخ ثبت می‌شود و ننگ‌هایی است که بر پیشانی این اشخاص ثبت خواهد شد.» (صحیفه نور، ج ۱۶: ۳۲۴)

در این مسأله با آرمان حداکثری امام(ره) یعنی نجات فلسطین و مسلمانان مواجه می‌شویم اما هنگامی که وی با واقعیت اجحاف صدام علیه کشور ایران در این معادله مواجه می‌شود، تصمیم به انتخاب واقعیت به جای آرمان حداکثری می‌نمایند. به عبارتی دیگر، ایشان در این تصمیم‌گیری به جای آرمان حداکثری، با توجه به واقعیت‌ها و شرایط، آرمان حداقلی یعنی حفظ جمهوری اسلامی ایران را انتخاب می‌نمایند.

امام (ره) در مورد انتخاب میان آرمان مبارزه با ظلم و مستکبران جهانی و واقعیت ظاهری صدمه و زیان به کشور، خاطر نشان می‌سازند که تمام انبیا و اولیا این راه مبارزه را به ما رهنمون ساخته اند. این راهی است که نتایج خود را در آینده نشان می‌دهد؛ یعنی برنامه‌ایست دراز مدت که توسط خداوند تدوین گشته است اگر چه ممکن است در کوتاه مدت و در واقعیت ظاهری صدمه و زیان دنیوی داشته باشد.

« شرط این است مابه عهد خود باقی باشیم؛ عهدی که با اسلام داریم؛ حفظ اسلام، حفظ کشور اسلامی، حفظ نوامیس اسلامی. ما باید این توجه را هیچ وقت از خود بیرون نکنیم، از مغز خود بیرون نکنیم که ما بندگان خدا هستیم و در راه او و در سبیل او حرکت می‌کنیم و پیشروی می‌کنیم. اگر شهادت نصیب شد، سعادت است و اگر پیروزی نصیب شد، سعادت است...» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۴۰۰).

چگونه می‌توان این دوسخن راتبیین نمود؟ رمز انتخاب میان آرمان و واقعیت نزد امام(ره) چه بوده است؟ ایشان از طرفی به دلیل حفظ کشور از جهاد با اسرائیل می‌گذرند و در جایی آرمان مبارزه با زورگویان عالم را مطرح می‌سازند. به نظر می‌رسد بتوان با استفاده از فرضیه مقاله به این سوالات هم پاسخ گفت. اگر به همان شیوه این آرمان‌ها را اولویت بندی نموده، در جهت حداقلی (خطوط قرمز)، حداکثری (هدف والا) و شرایط تحقق آن را بر اساس ملزومات مادی و معنوی ارزیابی کنیم متوجه نوع انتخاب و تصمیم‌های امام (ره) خواهیم شد. برای روشن شدن نوع تفکر امام(ره) و آرمان حداقلی نزد ایشان تحلیل دیگری از ایشان می‌آوریم:

«اگر ما تسلیم امریکا و ابرقدرتها می‌شدیم، ممکن بود امنیت و رفاه ظاهری درست می‌شد و قبرستانهای ما پر از شهدای عزیز ما نمی‌گردید، ولی مسلماً استقلال و آزادی

و شرافتمان از بین می‌رفت. آیا ما می‌توانیم نوکر و اسیر امریکا و دولتهای کافر شویم تا بعضی چیزها ارزان شود و شهید و مجروح ندهیم؟! هرگز، ملت زیر بار این ننگ نخواهد رفت و تن به این ذلت نخواهد داد. ملت ایران در مقابل امریکا می‌ایستد و به امید خداوند پیروز است» (صحیفه نور، ج ۱۷: ۳۴).

تأمل در منطق تصمیم‌گیری امام (ره) حاکی از آن است که هر آرمانی در نزد ایشان آرمان حقیقی نبوده و هر واقعیتی، نیز واقعی نبوده است؛ و همچنین لوازم به فعلیت رساندن آرمان‌ها نیز متفاوت از آن چیزی است که در نگاه مادی و پوزیتیویستی مطرح است. امام (ره) با توجه به وعده‌های الهی و حقیقت باطنی امور تصمیم‌گیری می‌نمودند و البته آرمان‌های حقیقی هم در نزد ایشان دارای اولویت زمانی و مکانی بوده و با توجه به مقدرات به اجرایی شدن آنها می‌اندیشیدند.

۵- دلایل تصمیم‌گیری امام خمینی (ره) مبنی بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸

با توجه به مواردی که در بخش‌های قبلی مطرح شد، در ابتدا مختصراً به نتایجی که از منطق تصمیم‌گیری امام (ره) استخراج می‌شود، اشاره کرده و سپس به بحث پذیرش قطعنامه ۵۹۸ خواهیم پرداخت. اول این که انتخاب میان آرمان و واقعیت یابه تعبیرنگارنده آرمان حداکثری و حداقلی همان‌گونه که طی مقاله با ذکر شواهدی آمد، بی سابقه نبود و با بررسی موارد قبلی می‌توان دریافت که امام (ره) همواره دارای منطق تصمیم‌گیری واحدی بودند. دوم این که امام (ره) بسیار دقیق و آینده‌نگرانه از میان آرمان‌ها با توجه به شرایط زمان و مکان انتخاب می‌نمودند و به عبارتی دیگر هر آرمانی را در هر زمانی اجرایی نمی‌دیدند.

همانگونه که طی گفتار اول آمد، تحلیلگران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دوران جنگ تحمیلی رابه دودوره درون‌گفتمانی تقسیم می‌نمایند. دوره اول عدم تعهد انقلابی، تقابل دوسویه و دوره دوم عدم تعهد تجدید نظرطلب، تعامل چندسویه که تقریباً از سال ۶۴ به گفتمان سیاست خارجی ایران سیطره می‌یابد. این رویکرد متضمن و مستلزم تغییر وضع و نظم موجود، جهت استقرار نظم مطلوب می‌باشد. از این رو نظم بین‌المللی ماهیت و مبنایی ناعادلانه و نامشروع دارد که باید آن را دگرگون ساخت. به تبع آن نظام دوقطبی به سرکردگی امریکا و شوروی نیز نامشروع و نامطلوب است. بنابراین عدم تعهد تجدید نظرطلب علاوه بر عدم وابستگی به دو ابرقدرت، مستلزم مبارزه با آنان نیز است. با وجود این برخلاف عدم تعهد انقلابی، تغییر و تحول

در نظم و نظام بین الملل به صورت تدریجی و از طریق اصلاح در زیربنا و مبانی آنها پیگیری می‌شود. به طوری که تغییرات زیربنایی تدریجی باعث دگرگونی ماهوی نظام بین الملل خواهد شد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۴۲) براساس این تغییر رویکرد در سیاست خارجی ایران، تحکیم مناسبات خارجی و نگاهی به کشورهای هم قطار و همچنین آمادگی جدی برای پذیرش قطعنامه وجود داشته است؛ به طوری که امام (ره) در ۱۱ آبان ۶۴ در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجی می‌فرماید: ما نباید منفعل باشیم ما باید با کشورهای ما با ما هستند و ما را اذیت نمی‌کنند روابط داشته باشیم... اسلام یک نظام اجتماعی و حکومتی است و می‌خواهد با همه عالم روابط داشته باشد منتها نباید تحت سلطه خارجی باشیم، نباید آنها دخالت در امور ما بکنند و نباید به ما خط بدهند.. (صحیفه نور، ج ۱۹، ۴۱۳) بر این اساس ایشان علاوه بر اینکه افق‌ها را روشن می‌سازند دوباره بر آرمانهای حداقلی و یا خطوط قرمز تاکید دارند و مبنای رابطه با دیگران را احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی کشور می‌دانند.

ممکن است سوالی مبنی بر اینکه اگر امام خمینی (ره) منطقی فکری و تصمیم‌گیری ثابتی داشته اند، پس به چه علت در سال ۶۴ گفتمان سیاست خارجی ایران تغییر می‌کند؟ مطرح شود. در پاسخ باید گفت که نه تمامی مولفه‌های گفتمان قبلی ساخته و پرداخته ایشان بوده و نه تمامی مولفه‌های این گفتمان و عوامل مختلفی در این میان نقش آفرین بوده اند. همچنین اگرچه امام (ره) از ابتدای جنگ تمایل و تصمیم به پایان جنگ داشته اند اما شرایط و موقعیت چنین تصمیمی تا اواسط جنگ بوجود نیامد و در صورت کوتاه آمدن، ایران متضرر شده و به هیچ‌کدام از آرمان‌های حداقلی و حداکثری نمی‌توانست دست یابد.

در راستای فرضیه مقاله و براساس نظریه تصمیم‌گیری، باید شرایط داخلی و خارجی رادر آن برهه ترسیم نمود؛ زیرا همانگونه که گفته شد تصمیم‌گیرندگان با توجه به امکانات و شرایط به تصمیمی میان بهیچگی و بسندگی دست می‌زنند. بر این اساس عمده دلایلی که در سال ۶۴ منجر به تغییر رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گردید عبارتست از: اولین عامل استراتژی ایران مبنی بر کسب یک پیروزی در عملیات جنگی جهت حل و فصل سیاسی و دیپلماتیک جنگ بود. زیرا پس از آغاز مرحله ورود به خاک عراق در عملیات رمضان در سال ۶۱ ایران علی‌رغم انجام عملیات‌های متعدد به این پیروزی دست نیافته بود. از این رو ایران برای دست یابی

به این هدف نیازمند تسلیحات و تجهیزات کافی برای بازسازی توان نظامی خود بود. دوم عراق با اتخاذ راهبرد بین‌المللی کردن جنگ و آغاز جنگ شهرها، تلاش دیپلماتیک گسترده ای را آغاز کرده بود تا ایران را مسئول ادامه و گسترش جنگ معرفی کند. بنابراین ایران برای خنثی کردن تبلیغات و تلاش‌های دیپلماتیک عراق نیازمندیک دیپلماسی فعال از طریق گسترش روابط خارجی بود. سومین دلیل تلاش ایران برای محروم کردن رژیم عراق از حمایت‌های همه جانبه رژیم‌های محافظه کار عرب حوزه خلیج فارس از طریق نزدیکی به آنان بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۴۲-۲۴۳). در این راستا عملیات والفجر ۸ در سال ۶۴ با موفقیت صورت گرفت و ما را به اهداف خود رساند. در سال ۶۵ عملیات کربلای چهار انجام شد که منجر به عدم موفقیت ما و پیروزی عراقی‌ها شد اما عملیات کربلای ۵ در کمتر از ۱۵ روز از عملیات کربلای چهار انجام شد و از منطقه شلمچه که به گفته عراقی‌ها ۹۳ درصد از نظر پدافندی کامل بود عبور کرده و به کانال ماهی رسیدند. پس از موفقیت در این عملیات بود که پیغام دادند هرچه می‌خواهید در قطعنامه بنویسید در حالی که پس از فتح خرمشهر چنین پیغامی ندادند (کوثری، ۱۳۹۰/۴/۳۱). در ۲۱ بهمن ۱۳۶۴ رزمندگان اسلام در یک حمله غافلگیرانه، فاو را تصرف کردند، که این امر باعث نگرانی شدید جهان غرب، شوروی سابق و کشورهای ساحلی خلیج فارس گردید. آمریکا که به پایداری جمهوری اسلامی ایران مطمئن شد، تصمیم گرفت به هر شکل ممکن خود را به ایران نزدیک کند، از اینجا بود که واقعه ایران - کنترا اتفاق افتاد. با وجودی که دولت آمریکا به منظور تحریم تسلیحاتی ایران، بر کشورهای دیگر فشار وارد می‌آورد اما مخفیانه به ایران سلاح ارسال می‌کرد، آمریکاییان دلایل این اقدام را کمک به آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان، نزدیکی به دولت ایران، و خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق عنوان کردند. لکن این امر بر روابط آمریکا با دیگر کشورها، خصوصاً کشورهای عرب منطقه، تأثیر نامطلوبی گذاشت و آمریکا نیز که از نزدیکی به دولت مردان ایران ناامید شده بود در سیاست خود یک چرخش تند و سریع به وجود آورد و سیاست حمایت قاطع از عراق و اعراب، و مخالفت خصمانه با ایران را پیش گرفت. (طالقانی، مهر ۸۸) آمریکا در همین راستا در دو جبهه وارد عمل شد: الف) در جبهه نظامی، با تقویت ناوگان خود در خلیج فارس و تشویق متحدان خویش به اعزام ناوهای بیشتر به منطقه، عملاً دشواریهایی را برای عملیات ایران بوجود آورد؛ و از سوی دیگر دست عراق را برای

هر گونه اقدامی در خلیج فارس باز گذاشت و اطلاعات نظامی آواکسها و ماهوارهها را از وضع جبههها در اختیار عراق قرار داد. در این راستا، اقدام نظامی آمریکا در تاریخ ۲۹ فروردین ماه ۱۳۶۷ همزمان با حمله نظامی عراق به فاو، به اجرا گذاشته شد و به سکوهای نفتی رشادت، سلمان، مبارک و ناوهای ایرانی سهند و جوشن، حمله صورت گرفت (اردستانی، ۱۳۷۴: ۸۰). و در همین روز، رزمناو سبلان به وسیله نیروهای هوا - دریای آمریکا بمباران شد. مقامات آمریکایی اعلام کردند که حمله آنها به سکوهای نفتی با اطلاع کشورهای انگلستان، فرانسه، ایتالیا، هند، و بلژیک بوده است. (روزشمار جنگ ایران و عراق: ۷۶) (ب) در جبهه سیاسی نیز به دولت‌ها فشار فزاینده وارد کرد که از فروش اسلحه به ایران جلوگیری کنند، و در شورای امنیت نیز کوشید که کشورهای عضو را به تصویب قطعنامه‌ای درباره تحریم فروش اسلحه به ایران موافق سازد (پارسادوست، ۱۳۷۱: ۶۷۴).

در ۱۶ دی ۱۳۶۵ ایران حمله بزرگ خود را به جنوب بصره در قالب عملیات کربلای ۵ آغاز کرد و فشارهای فوق‌العاده سنگینی را به ماشین جنگی دشمن وارد آورد. دکوئیار، دبیر کل سازمان ملل، متعاقب این عملیات از اعضای دائمی شورای امنیت خواست که برای خاتمه دادن به جنگ با یکدیگر همکاری کنند که این امر با پاسخ مثبت سفرای این کشورها روبرو شد. در این مذاکرات، آنها احتمال این که جنگ تهدیدی علیه صلح باشد را مورد بررسی قرار دادند تا بدین وسیله راه را برای استفاده از اختیارات مندرج در فصل هفتم منشور ملل متحد هموار کنند (هیوم، راسخی ثابت، ۱۳۷۶: ۱۵-۲۱۴). پس از شروع مذاکرات، اعضای شورای امنیت در مورد صدور قطعنامه‌ای در راستای فصل هفتم، که چارچوب جدیدی را برای فعالیت‌های دبیرکل و اقدامات پیگیرانه وی از جمله تحریم‌های اقتصادی فراهم می‌کرد، به توافق رسیدند. از طرفی، وزارت خارجه ایران از پاییز ۱۳۶۵ تا تصویب قطعنامه، هیأت‌های مختلفی را جهت تأثیرگذاری بر طرح این قطعنامه به کشورهای مختلف اعزام کرد. تا جایی که تهیه کنندگان پیش نویس قطعنامه مجبور شدند در مقابل دیپلماسی فعال ایران بندهای ۶، ۷ و ۸ را در آن بگنجانند، که تا اندازه‌ای متضمن نظرهای ایران بود. (ولایتی، ۱۳۷۶: ۲۰۴) به این ترتیب سال ۱۳۶۶ شمسی در حالی شروع می‌شد که برای نخستین بار، حامیان عراق (اعم از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی) به صورت جدی، گزینه پایان دادن به جنگ ایران و عراق را به نحوی که ایران به عنوان طرف

پیروز جنگ قلمداد نشود آغاز نمودند. در صحنه دیپلماتیک، تلاش برای تدوین قطعنامه ای جدید در سازمان ملل متحد با پیگیری اکید ابرقدرت ها آغاز شد. (صمدی: ۱۳۸۹/۴/۲۷) در ادامه این حوادث بود که شورای امنیت پس از مشورت ها و نشست های متعدد با اهداف تعیین شده ای در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۶ در جلسه شماره ۲۷۵۰ خود طرح قطعنامه را به اتفاق آرا به تصویب رساند. نکته قابل توجه اینکه هنگامی که رزمندگان اسلام با عملیات حماسی در زمستان سال ۶۵ در پشت دیوارهای بصره، آینده جنگ را رقم می زدند مواد این قطعنامه که شامل دو بند بوده و با قطعنامه های قبلی بسیار تفاوت داشت در دستور کار قرار گرفت. (خبرگزاری فارس: ۱۳۸۹/۴/۲۵) دقیقا این تصویب یک روز پس از شروع حفاظت امریکا از نفتکش های کویتی بود و در واقع غرب به این نتیجه رسیده بود که در هر صورت جنگ را با موضوع اصلی حفظ عراق خاتمه دهد زیرا عراق نیز خواهان اعمال قدرت بیشتری در منطقه و کشاندن آتش جنگ به دیگر کشورها بود. لذا قطعنامه ۵۹۸ به نوعی برای نجات عراق محسوب می شد. «این گفته «کارل هریچ» در کتاب «تارنمای جنگ خلیج از نگاهی به ابزار نفت» بود. زیگنیو برژینسکی» مشاور امنیت ملی ایالات متحده در نشست با اعضای شورای عالی امنیت ملی تاکید می کند: پس از پیروزی ایران در خرمشهر کاخ سفید معتقد است که این جنگ نمی بایست برنده ای داشته باشد. وقتی که نیروهای ایرانی موفق به عبور از مرزهای بین المللی شدند، استراتژی امریکا بر این نظریه قرار گرفت که ایران نباید برنده جنگ باشد (مرشدی: ۱۳۸۹/۴/۲۷).

ایران در قبال قطعنامه ۵۹۸ در وهله اول با غیر عادلانه خواندن آن و خطاب قرار دادن شورای امنیت به عدول از وظیفه اصلی خویش، یعنی حفظ صلح و امنیت جهانی (کیهان: ۱۳۶۶/۴/۳۰) موضعی مبهم و غیر شفاف گرفت که نه آن را رد می کرد و نه تایید. ایران معتقد بود که آتش بس باید پس از اعلام متجاوز بودن عراق برقرار شود. (توفیقیان: ۱۳۸۷/۴/۲۷) در انتهای جنگ در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۶۷ یعنی دو هفته قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط امام (ره)، ایشان می فرمایند: «تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است، غفلت از مسئله جنگ خیانت به رسول الله است.» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۶۸)

آنچه که در این قسمت پر اهمیت به نظر می رسد این است که تا این تاریخ امام (ره) هنوز به دستیابی به آرمان حداکثری و حتی میانی یعنی تادیب متجاوز امیدوار بوده اند. در مورد اینکه چه

شد طی دو هفته نظر ایشان تغییر کرد و بر این شد که قطعنامه را بپذیرد، محمدجواد لاریجانی مسئول وقت مذاکرات قطعنامه ۵۹۸ می‌گوید که آن زمانی که نظر مبارک حضرت امام(ره) بود آن زمان کمی جلوتر از این بود که اتفاق افتاد یعنی ما فاو را داشتیم و بخش‌هایی را از شمال کردستان عراق را هم داشتیم، منتها دولت آن زمان و برخی از عناصر نظامی پیشنهاد کرده بودند که ما کمی ادامه بدهیم و توان داشتن کارت‌های برنده دیگری را هم داریم، البته امام(ره) به این نظر کارشناسی آن برادران، ضمن اینکه اعتقاد نداشتند، ولی قبول کردند و این روش حضرت امام(ره) بود که به نظرات کارشناسی توجه وافر داشتند. (گفتگو با محمدجواد لاریجانی: ۱۳۸۹/۴/۲۷)

اما عوامل و حوادث زیادی موجب تصمیم امام (ره) مبنی بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل در آن شرایط گردید که در این مقاله قصد بر این نیست به همه آنها اشاره کنیم و تنها باید دید چه محدودیت‌هایی موجب شدایشان از آرمان‌های حداکثری خود از این طریق و در این زمان کوتاه بیایند. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به سؤال سایت جامع دفاع مقدس درباره این که چه شد که بعد از ۸ سال ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت، گفت:

عوامل فراوانی بود که کم کم ما متقاعد شدیم باید قطعنامه را بپذیریم، جنگ طولانی و فرسایشی شده بود و این فرسایش به ما آسیب فراوان می‌رساند و عراقی‌ها غیر نظامی‌ها را مورد هدف و آسیب قرار می‌دادند، همچنین تلفات غیر نظامی‌ها نیز زیاد شده بود به خصوص این که عراقی‌ها از سلاح شیمیایی استفاده می‌کردند که نمونه آن را در حلبچه مشاهده کردیم و مردم مثل برگ خزان به زمین می‌ریختند. بودجه دولت نیز واقعاً کشش این جنگ را نداشت و دولت رسماً به امام(ره) نامه نوشت که نمی‌توانیم. مهمترین عامل در این بین، عوامل انسانی بود، جنگ به حدی بود که تلفات انسانی زیاد شده بود و قابل تحمل نبود و در این موقع خوشبختانه شورای امنیت تا حدودی خواسته‌های ما را پذیرفت و این مجموعه عوامل باعث شد که امام(ره) قطعنامه را بپذیرفتند» (مصاحبه با هاشمی رفسنجانی: ۸۵/۷/۳)

از طرفی دیگر، محاصره اقتصادی غرب و بویژه آمریکا بر ایران، استراتژی حمایت مستقیم از صدام تحت پوشش حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در خلیج فارس، تبلیغات منفی علیه ایران و معرفی صدام به عنوان چهره صلح طلب در محافل بین‌المللی، این جنگ روانی و تبلیغات

هدف دار در کنار حضور بی سابقه ناوگان‌های آمریکائی و متحدانش در خلیج فارس شرایط پیچیده ای را به وجود آورد که ایران مظلوم و قربانی تجاوز، جنگ طلب معرفی شود و به همین بهانه رژیم عراق بدون نگرانی از تهدید بین المللی حجم حملات شیمیائی و بمب‌های شیمیائی و میکروبی را چند برابر کرده بود. (مؤسسه تبیان : ۱۳۷۸)

محسن رضایی در مورد قطعنامه می گوید:

من این قطعنامه را اولین پیشنهاد مشخص برای صلح بین ایران و عراق می دانم. تا پیش از این، هرگاه بحث صدور قطعنامه بود، صحبت از آتش‌بس به میان آمد نه خبری از بازگشت به مرزهای بین المللی بود و نه تعیین خسارت‌های جنگی و مشخص شدن متجاوز. اما در قطعنامه ۵۹۸ برای اولین بار، بازگشت به مرزهای بین‌المللی مطرح شد و تغییر و تحول ناشی از تغییر استراتژی کشورهای بزرگ از آغاز تا پایان جنگ بود و این مسأله برای نخستین بار در قرن بیستم اتفاق می افتاد. کشورهای بزرگ در مورد وقایع بین‌المللی، از یک استراتژی و برنامه مشخصی تبعیت می‌کنند، اما در مورد جنگ ایران و عراق این‌گونه نبود (رضایی: ۲۱/۶/۸۵).

و در یک نگاه مثبت و خوشبینانه، قطعنامه ۵۹۸ تحت عنوان «منزاعه بین ایران و عراق» صادر شد و بر خلاف قطعنامه‌های قبلی اعلان «وضعیت مابین ایران و عراق» نبود، قطعنامه ۵۹۸ مفصل‌ترین قطعنامه، و از نظر حجم و عبارت دقیق‌ترین آنها بود، قطعنامه فوق برخاسته از نظر حاکم در شورای امنیت و نگرانی عمیق آن به ادامه جنگ بین ایران و عراق بود، قطعنامه ۵۹۸ توصیه نامه نبود بلکه حالت آمرانه بودن آن غالب و قوی به نظر می‌رسید. این قطعنامه به اتفاق آرا صادر شد و راه حل جامعه بین‌المللی برای برقراری صلح عادلانه و شرافتمندانه در منازعه ایران و عراق بود. (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۰: ۲۱۱-۲۱۰) در یک جمع بندی کلی، می‌توان برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط امام (ره) دلایل زیر را برشمرد:

- مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران: حضرت امام خمینی (ره) به عنوان رهبر و ولی فقیه و بر اساس اختیاری که به موجب اصل یکصد و دهم قانون اساسی داشتند، پذیرش قطعنامه را اعلام و آن را به مصلحت نظام تشخیص دادند.

- شرایط بین المللی نامساعد، به نحوی که عراق با پذیرش کلیه قطعنامه‌های شورای امنیت داد صلح طلبی سر می‌داد و در مجامع بین المللی ایران را جنگ طلب معرفی می‌کرد.

- شرایط جدید و پیچیده در منطقه با حضور بی سابقه نیروهای نظامی امریکا و متحدینش در خلیج فارس .

- جدی شدن مسأله تحریم تسلیحاتی ایران به عنوان طرفی که قطعنامه ۵۹۸ را قبول نکرده است.

- کاربرد وسیع سلاح های شیمیایی توسط عراق و عکس العمل ضعیف مجامع بین المللی در این مورد.

- شرایط نامساعد در جبهه ها که منجر به عقب نشینی نیروهای نظامی ایران از بسیاری از نقاط اشغالی در داخل خاک عراق و حتی از دست دادن قسمت هایی از خاک ایران شده بود.

- فقدان عناصری که در قطعنامه های قبلی شورای امنیت موجود بود و منجر به رد آن ها می شد (هدایتی خمینی، ۱۳۷۰: ۱۷۰).

امام خمینی(ره) در تاریخ ۶۷/۴/۲۵ طی نامه ای که برای مسئولان کشور می نویسد و قطعنامه را قبول می نمایند، دلایل خود و شرایطی که قرار دارند را اینگونه مطرح می سازند:

حال که مسئولان نظامی ما اعم از ارتش و سپاه که خبرگان جنگ می باشند، صریحاً اعتراف می کنند که ارتش اسلام به این زودی ها هیچ پیروزی به دست نخواهند آورد و نظر به این که مسئولان دلسوز نظامی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی از این پس جنگ را به هیچ وجه به صلاح کشور نمی دانند و با قاطعیت می گویند که یک دهم سلاح هایی را که استکبار شرق و غرب در اختیار صدام گذارده اند به هیچ وجه و با هیچ قیمتی نمی شود در جهان تهیه کرد و با توجه به نامه تکان دهنده فرمانده سپاه پاسداران که یکی از ده ها گزارش نظامی سیاسی است که بعد از شکست های اخیر به اینجانب رسیده و به اعتراف جانشینی فرمانده کل نیروهای مسلح، فرمانده سپاه یکی از معدود فرماندهانی است که در صورت تهیه مایحتاج جنگ معتقد به ادامه جنگ می باشد و با توجه به استفاده گسترده دشمن از سلاح های شیمیایی و نبود وسایل خنثی کننده آن، اینجانب با آتش بس موافقت می نمایم. (پایگاه تحلیلی روایتگر: ۱۳۹۰)

و در ادامه نکته‌ای که بسیار حائز اهمیت است این سخن است که ایشان می‌فرمایند: خداوند ما برای دین تو قیام کردیم و برای دین تو جنگیدیم و برای حفظ دین تو آتش بس را قبول می‌کنیم. (همان)

این سخن تلویحا به درستی فرضیه این مقاله دلالت دارد؛ بدین معنی که، امام خمینی (ره) دارای منطق و روش تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری ثابتی بود اندو در این روش قیام و جنگ و پذیرش آتش بس همه در یکی راستا بوده است. امادر مورد پذیرش قطعنامه باید گفت، اولین استنباط این است که امام (ره) به کارشناسان و سران لشگری و کشوری اعتماد و اطمینان بسیار داشته و آنان را از ابزارهای لازم پیشبرد امور و اهداف کشور می‌دانسته اند.

«با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم (صحیفه نور، ج ۲۱: ۷۴)

بنابراین، حمایت قاطع مردم و بسیجیان کشور از امام (ره) موجب این نشد که بگویند، پس هر هدفی می‌تواند و باید عملی گردد. ایشان واقع بینانه امور را به متخصصین سپرده و در تصمیم‌گیری‌ها با نخبگان کشور مشورت می‌نمودند. مسأله دیگر استقلال عمل و نبودن تحمیل در راستای تصمیم‌گیری برای پذیرش قطعنامه است.

«در قبول این قطعنامه فقط مسؤولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته اند و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۷۴).

خود امام (ره) در مورد پذیرش واقعیتی در برابر آرمان حداکثری می‌فرمایند:

«من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلا خودداری می‌کنم...، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۰۱)

و در ادامه صراحتاً می‌گویند:

« من باز می گویم که قبول این مسأله برای من از زهر کشنده تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم... شما می دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود؛ و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم؛ و اگر برویی داشته ام با خدا معامله کرده ام» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۷۴)

و در پایان باید خاطر نشان کرد که امام (ره) بعد از پذیرش این قطعنامه تأکید می کند آرمان مبارزه با ظلم و استکبار جهانی ادامه دارد اگر چه یکی از مراحل آن اتمام یافته است. بنابراین، جوانان را به مجاهدت و تلاش در زمینه های مختلف برای رسیدن به این آرمان و ساختن ایران اسلامی و پیشرفت آن رهنمون می سازد. اگرچه امام راحل (ره) با قبول قطعنامه موقعیت نظام جمهوری اسلامی را در شرایط ایجاد شده حفظ کرد و دشمن را از اشغال حتی یک وجب خاک ایران که در تاریخ جنگ ها بی سابقه است، پس از هشت سال مبارزه نا امید کرد، لکن این تصمیم به منزله پایان مبارزه نبوده است بلکه تغییر استراتژی و اتخاذ شیوه جدیدی از مبارزه در جبهه سیاسی بوده است. بطوری که در این زمینه فرمودند: «قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسأله جنگ نیست با اعلام این تصمیم حربه های تبلیغات جهانخواران علیه ما کُند شده است». (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۵: ۱۶۱)

نتیجه گیری

این مقاله با استناد به حوادث مهمی که در طول دوران دفاع مقدس اتفاق افتاده و منجر به تصمیم های مهمی از جانب امام (ره) شد، به این نتیجه رهنمون می شود که امام خمینی (ره) در عین آرمانگرایی، واقع بین بودند؛ بدین معنی که آرمانها و اصول اسلامی، اهداف ایشان را تعیین می کرد و منافع دنیوی، ظاهری و شخصی و حتی جمعی زودگذر و سطحی به هیچ وجه در تعریف این آرمانها تأثیر نداشت و چون این آرمانها با توجه به وعده ها و دستورات الهی تدوین می شد، بنابراین نمی توان گفت که دارای مستند عقلی محض بشری بودند و این تمایز بارز آرمانگرایی امام (ره) با سایر انواع آرمانگرایی است که انتقاداتی چون نشدنی بودن، بسیار ذهنی و غیرعقلانی بودن، بر آن وارد می شود. امام خمینی (ره) آرمانی می اندیشیدند اما برای رسیدن به این آرمان واقع بینانه رفتار می کردند که البته واقع نگری ایشان با تردید و ترس تفاوت دارد.

برهمن اساس، هنگامی که در واقعه جنگ تحمیلی از زبان کارشناسان مطمئن شدند که کشور ظرفیت ادامه جنگ را ندارد، با واقع نگری به مصلحت دانستند که قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرند.

امام (ره) دارای منطق و روشی ثابت در تصمیم گیری بودند و شرایط و حوادث بر منطق تصمیم گیری شان حاکم و تعیین کننده نبوده است؛ طوری که می توانیم خط مشی کلی تصمیمات و رفتار ایشان را در طول حوادث و وقایع دنبال کرده و به سیری ثابت برسیم و همانطور که خود ایشان بعد از پذیرش قطعنامه می فرمایند، در شرایط کنونی آنچه موجب این امر شد تکلیف الهی ام بود. در واقع، می توان بجای «شرایط کنونی» ترکیب «تمام مواقع» را بکاربرد. به عبارتی دیگر امام (ره) در تمامی وقایع و شرایط، تصمیمات را بنابر تکلیف الهی و در راستای و مصلحت کشور می گرفتند. بنابراین، منش و تصمیمات امام (ره) منطبق بر دستورات اسلام بوده است. امام (ره) خود مکتب خاصی را در مملکت داری و سیاست خارجی منطبق بر اسلام ناب محمدی (ص) بنا نهاد که در آن حفظ نظام اسلامی جایگاه ممتازی دارد.

در باب پذیرش قطعنامه باید گفت که شرایط به گونه ای ترتیب یافته بود که به میزان زیادی مقدرات مادی عرصه را بر آرمان حداکثری که امام (ره) تعیین کرده بود تنگ نمود. لذا در این شرایط، تصمیم بر مبنای واقعیت بر رسیدن بر آرمان بزرگ توفیق یافت. البته، این بدان معنا نیست که ایشان از منافع ملی و مصالح کشور کوتاه آمده باشد لذا می بینیم یکی از دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ لحاظ نمودن شرایط حداقلی ایران است. در پاسخ به سؤال اصلی مقاله می توان گفت که شاید ایشان از آرمان های حداکثری مانند ساقط کردن صدام، ایجاد دولت اسلامی در عراق، آزادسازی قدس شریف و رهایی مسلمانان از طریق جنگ با عراق کوتاه آمدند اما همان گونه که در پیام پذیرش قطعنامه مطرح شد، این تصمیم در واقع تدبیر و به تعبیری دیگر تغییر تاکتیک بود و ایشان خواهان پیگیری این آرمان ها با روش هایی دیگر شدند. از طرفی دیگر، امام (ره) در موضوع پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از آرمان های حداقلی خود دست نکشیدند؛ یعنی به صلحی که از ناحیه آن ضرری مترتب بر کشور شود، تن ندادند و چون این قطعنامه شرایط ایران را تا حدودی بر آورده می کرد، برای مصلحت کشور آن را پذیرفتند.

منابع

۱. اردستانی، حسین، (۱۳۷۴)، تجزیه و تحلیل استراتژیک نظامی ایران در جنگ تحمیلی، جلد دوم، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، تهران.
۲. اشتریان، کیومرث و نادر جعفری هفتخوانی (۱۳۸۶)، تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و نقش دیپلماسی عمومی در فرایند تصمیم‌سازی - اندیشه مدیریت، شماره ۱
۳. پارسا دوست، منوچهر (۱۳۷۱)، نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار
۴. حائری، سارا (۱۳۸۱)، بسترهای پذیرش قطع نامه ی ۵۹۸، ماهنامه شمیم یاس، شماره ۱۳
۵. خرم دره، احسان (۱۳۸۱)، بررسی تحولات نظامی جنگ در سال ۶۷ فصلنامه نگین ایران. شماره ۲
۶. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. انتشارات سمت
۷. شریعتی، شهروز و مهدی عباسی، مهدی (۱۳۹۰) بررسی تناقض‌های تصمیم‌سازان آمریکایی در برابر انقلاب ایران بر اساس نظریه تصمیم‌گیری. فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۱.
۸. صحیفه نور، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)، جلد‌های سیزدهم تا بیست و یکم.
۹. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۷)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل. انتشارات سمت
۱۰. کامرون هیوم (۱۳۷۶)، سازمان ملل متحد، ایران و عراق، ترجمه هوشنگ راسخی عزمی ثابت، تهران. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه .
۱۱. محمدی، علیرضا (۱۳۸۳)، چرا پایان؟ چرا تداوم؟ (نگاهی گذرا بر علل تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر و مقایسه آن با شرایط پایان جنگ) ماهنامه پگاه حوزه، شماره ۱۳۳
۱۲. محمدی، علیرضا (۱۳۸۵)، چه عواملی باعث شد که امام (ره) قطعنامه ۵۹۸ را قبول کند؟، ماهنامه پرسمان، شماره ۴۶.
۱۳. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه (۱۳۶۷)، طرح کلی روز شمار جنگ ایران و عراق،
۱۴. ملکی، عباس (۱۳۸۱)، تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران، رهیافتی تجربی. ترجمه ابوذر گوهری مقدم. مجله علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم. شماره ۲۰،
۱۵. منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۵)، بررسی حقوقی، سیاسی تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران، انتشارات تابان.
۱۶. منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۰)، تاریخ دفاع مقدس، انتشارات اسلیمی.

۱۷. هدایتی خمینی، عباس (۱۳۷۰)، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
۱۸. ولایتی، علی اکبر (۱۳۷۶)، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

سایت ها

۱. بهداروند، محمدمهدی، بسترهای پذیرش قطعنامه ۸۹۵، سایت دبیرخانه دائمی قطعنامه ۵۹۸، تاریخ مراجعه (۱۳۸۹/۴/۲۶) <http://598news.com/index>.
۲. اظهارات هاشمی در خصوص قطعنامه ۵۹۸، پایگاه خبری تحلیلی فردانیوز <http://www.fardanews.com> تاریخ مراجعه (۱۳۸۹/۴/۲۶)
۳. روزنامه کیهان، بیانیه وزارت امور خارجه در خصوص قطعنامه ۵۹۸ تاریخ مراجعه (۱۳۶۶/۴/۳۰)
۴. محمدجواد لاریجانی، امام (ره) پس از پذیرش قطعنامه از موسوی گلایه کردند، پایگاه خبری تحلیلی روایتگر به نقل از خبرگزاری فارس. تاریخ مراجعه (۱۳۸۹/۴/۲۷) <http://ravayatgar.org>
۵. محسن رضایی، خبرگزاری ساجد (سایت جامع دفاع مقدس) www.sajed.ir تاریخ مراجعه (۱۳۸۵/۶/۲۱)
۶. کوثری، محمد، پذیرش صادقانه قطعنامه ۵۹۸ از سوی امام خمینی (ره) لطف الهی بود، پایگاه خبری تحلیلی رصد نیوز به نقل از خبرگزاری فارس. تاریخ مراجعه (۱۳۹۰/۴/۳۱) <http://rasadnews.blogfa.com>
۷. طالقانی، علیرضا، امام خمینی (ره) و پذیرش قطعنامه ۵۹۸، پایگاه اینترنتی گروه فرهنگی شهید همت. تاریخ مراجعه (۱۳۸۸/۶/۶) <http://shahidhemat.parsiblog.com>
۸. صمدی، محمدعلی، صدام: پذیرش قطعنامه پشت ما را می شکند، پایگاه خبری تحلیلی روایتگر به نقل از ویژه نامه دفاع مقدس خبرگزاری فارس. تاریخ مراجعه (۱۳۸۹/۴/۲۷) <http://www.farsnews.com>
۹. خبرگزاری فارس. امام خمینی (ره): قبول قطعنامه با نظر کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالا بود. تاریخ مراجعه (۱۳۸۹/۴/۲۵) <http://www.farsnews.com>

۱۰. مرشدی، ارسلان، ایران برنده اصلی کشمکش قطعنامه ۵۹۸ بود، خبرگزاری فارس.
تاریخ مراجعه (۱۳۸۹/۴/۲۵) <http://www.farsnews.com>
۱۱. توفیقیان، ابوالحسن، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و پایان جنگ ایران و عراق، مقالات پژوهشکده باقرالعلوم.
تاریخ مراجعه (۱۳۸۷/۴/۲۷) <http://www.pajooh.com/fa/index.php>
۱۲. خبرگزاری فارس. ناگفته‌های هاشمی رفسنجانی از دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸.
تاریخ مراجعه (۱۳۸۵/۷/۳) <http://www.farsnews.com>
۱۳. مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، علت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط حضرت امام (ره) و واقعیات و مصالح مربوط به آن چه بود؟
تاریخ مراجعه (۱۳۸۷) <http://icnc.ir/index.aspx>
۱۴. پایگاه خبری تحلیلی روایتگر، ضعف و اهمال برخی از مسئولین سیاسی و نظامی باعث پذیرش جام زهر بود.
تاریخ مراجعه (۱۳۸۹/۴/۲۴) <http://ravayatgar.org>